

قوتی ها همزمان با لولوبی ها، در شمال و شمالشرق آنها، یعنی در قسمت اعظم آذربایجان و شرق کردستان کنونی(کردستان بخشی از آذربایجان باستانی بود) زندگی میکردند. بنا به اسناد اککدی **نارام سوئن** نوه سارگون در اواخر عمرش بعد از شکست دادن لولوبی ها به قوتی ها حمله کرد ولی **اثریدا وزیر Enridavazir** شاه قوتی ها شکست سختی به او داد و نارام سوئن در آن جنگ کشته شد. بعد از این پیروزی اثریدا وزیر *Enridavazir* به اککد حمله کرد (در سال ۲۲۰۱ ق م)

. یاکوبسون **Jakobsson** سومر شناس دانمارکی در این باره مینویسد: *اثریدا وزیر شاه قوتی ها به بین النهرین لشکرکشی کرده و نیپور شهر مقدس سومریان را گرفت و کاتبان آنجا را مجبور به نوشتن کتیبه ای برای خودش کرد.* (۱) جنگ بین قوتی ها و اککد-سومر بیش از ۲۰ سال طول کشید، و با پیروزی کامل **ائلولومئش** شاه قوتی ها در سال ۲۱۷۶ ق م همه بین النهرین تحت حاکمیت قوتی ها در آمد. قوتی ها توانستند ۹۱ سال بر بین النهرین حکومت کنند و در آن مدت قوتی ها توانستند آرامش و امنیت را در آنجا حاکم کرده و جو مساعدتری را برای رشد و ترقی علم و هنر در بین النهرین ایجاد کنند. (۱)

در کتیبه های بابل از دوره حکومت قوتی ها در آنجا اطلاعات خوبی به یادگار مانده است و اسامی، تاریخ و مدت حکومت همه ۲۱ شاه قوتی که جمعا ۹۱ سال بر بابل حکومت کردند در کتیبه های بابلی ثبت شده است. قوتی ها صاحب قدیمیترین نوع حکومت دمکراسی در تاریخ بشریت بودند و حکومت آنها بر اساس يك نوع دمکراسی نسبی ابتدایی پایه گذاری شده بود. قوتی ها بر عکس اککدیان و سومریان شاه موروثی *نداشتند*، آنها شاه خود را رهبر خوانده و هر سه سال یکبار انتخاب میکردند. با توجه به لیاقت و کشورداری شخص

انتخاب شده او را براي يك دوره ديگر نيز انتخاب ميکردند (حداكثر سه دوره) ، و يا اينکه بدليل بي کفایتی، او را زودتر از اتمام دوره شاهي ، از قدرت خلع مي کردند. (۲)

اين خصوصيت ملي و اجتماعي قوتتي ها از ازمه هاي ديرين از سنن و خصوصيات خاص اقوام و ايل هاي مختلف ترك در آسياي ميانه بود و در آنجا نيز تركها هيچوقت شاه نداشتند ، بلکه ريش سفيدان قبائل شخصي لايق و کاردان را به عنوان رهبر انتخاب مي کردند.

در بين قوتتي ها نيز همچون ساير اقوام خويشاوند آنها (لولوبي ها، کاسسي ها و غيره) زن از موقعيت اجتماعي و حقوقي خيلي بالايي بر خوردار بودند. **گيريشمن** : در ارتش قوتتي ها فرماندهان و سربازان زن در حد بالايي حضور داشتند. (۳)

به علت اينکه ساکنين بين النهرين نسبت به قوتتی ها از تمدن بالايي برخوردار بودند ، نگهداري و اداره آنجا براي قوتتي ها، که از تجربه دولتمداري زيادي برخوردار نبودند، مشکل بود و آنها با دريافت رشوه و ماليات هاي کلان اداره شهرها را به عهده شاهان شهري سومري گذاشتند و در نتيجه بعضي از شاهان محلي به مرور زمان قوت گرفته و بر عليه سلطه قوتتي ها قيام کردند. رهبري قيام آنها را **اوتوخقال Utuxegal** شاه شهر اوروک بدست گرفته و قوتتي ها را شکست داده و **تيريگان Tirikan** آخرين شاه قوتتي در بابل را اعدام کرده (۲۱۰۹ ق م) و حکومت سومر را دوباره زنده کرده ، و سومين سلسله شاهي اوروک را بنیان گذاشت. با وجود خويشاوندی نژادی و زبانی، سومرها ، به قوتتی ها به چشم اشغالگر نگاه ميکردند، در کتيبه هاي سومری که از طرف **اوتوخقال** شاه اوروک **uruk** , نويسانده شده است، وحشت و ترس مردم بابل از قوتتي ها نمايان است، براي نمونه متن يکي از اين کتيبه ها اينطور است:

قوتتي ها سلطنت سومر را به مناطق کوهستاني بردند، سرتاسر سومر را با کينه و دشمني پرکردند، زنان را از مردانشان و بچه ها را از مادرانشان جدا کردند، تجاوز و ظلم را در اين سرزمين رواج دادند. اين کتبه اشاره به وضعيتي ميکند که قوتتي ها در آنجا آفريدند و استعمار شدگان و استعمار کنندگان به جان هم انداختند. (۴)

از شاهان قوتتي چند تا مجسمه مفرعي در بابل به جاي مانده است .
در آذربايجان دو مجسمه مفرعي يکي در **همدان** و ديگري در نزديکي **سلماس** پيدا شده است و اينها الان در **موزه Galery Bremmer**?رئمتر قائلري امريکا نگهداري ميشوند. آثار هنر هوري ها در مجسمه هاي پيدا شده در آذربايجان کاملاً مشهود است. (براي ديدن عکس اين مجسمه ها مراجعه شود به ، تاريخ ديرين ترکان ايران، ص ۲۴۵-۲۴۶). تاريخدان و تيپولوژوق فرانسوي **ا.ت.آمي** با مقايسه تيپ مجسمه پيدا شده در همدان با ترك زبانان اطراف شوش (آنها خودشان را **آشکاني** مينامند) آنها را عين هم شناخته و ادامه ميدهد که اين تشابه در مطالعه تيپ **کاسسي ها** نیز صدق ميکند. (۵)

به دليل اينکه در آذربايجان براي کاوشگري از طرف دولت ايران سرمايه گذاري نميشود لذا آثار تمدن قوتتي ها، هوري ها وغيره هنوز هم در زير خروارها خاک مدفون است و با ايجاد جو سياسي مساعد در ايران مطمئناً اطلاعات ما راجع به قوتتي ها ، ماننا، ماد بيشتر خواهد شد.

زبان قوتتي ها نیز التصاقي و با زبان ايلامي، لولوبي، و کاسسي خويشاوند بود. ولي به لحاظ اينکه زبان قوتتي ها از لحاظ ساختار آوايي مرکب بود، لذا بعضي از دانشمندان معتقد هستند که زبان قوتتي ها بيشتر شبیه زبان **هوري ها و آلبان ها**(آذربايجان شمالي) بود.

عده ای از دانشمندان از جمله **ز. ای. یامپولسکی** معتقد هستند که قوتتی ها در اعصار بعدی اوتی **Uti** ، اوایتی **Uiti** ، اوتین **Utin** و اودین **Udin** نامیده شده اند. نظریه این عده از دانشمندان همزبانی قوتتی ها را با **آلبان ها** قطعی می کند. چرا که در داخل اقوام ترك تشکیل دهنده دولت مقتدر آلبان ها در **آذربایجان شمالی**، ایل های **اوتی** نیز شرکت داشتند. این حقیقت نشانگر آن است که سرزمین آذربایجان مثل همیشه در ۲-۳ هزار قبل از میلاد نیز مسکن اقوام و ایل های واحد و همزبانی بوده است که در زمان مهاجرت آنها از آسیای میانه شاخه ای از آنها در سرزمین های شمالی ارس و شاخه ای دیگر در سرزمین های جنوبی آن ساکن شدند. (۵)

آکادمیک مار ثابت کرده است که زبان رسمی اداری و تجاری قوتتی-لولوبی ها، ماننا ها و ماد زبان ایلامی بود. (۶) / م. دیاکونوف نیز به خویشاوندی زبان قوتتی ها با آلبان ها اشاره میکند (۷)

تعضی از خصوصیات زبان قوتتی آنها از سایر زبانهای التصاقی خویشاوند متمایز کرده و خصوصیات آن را در اعصار بعدی بیشتر در بین **اوتی ها و گرگر های داخل دولت آلبان ها** دیده میشود.

اسامی تعدادی از شاهان قوتتی :

- **Imeta** ایمتا (۳ سال)، بعد ها در بین ترکان به ایمته، مته (شاه ترکان هون) تغییر یافته.

- **Ingeshush** اینقه شوش، ۶ (سال) ، **sarlagab** سارلاقاب (۶ سال)،

Yarlagash یارلاقاش (۶ سال)

- **Elulumesh** ایلولومئش (۶ سال) ، **یارلاقاب** (۱۵ سال) ، **Korum** کوروم (۱ سال)

Habilkin ها(خا) بیلکین(۳ سال) ، **ایارلاقاندا** (۷سال)، **Inimabagesh** اینی مابقئش (۵سال)

در بررسی ارتباط زبانی و تباری قوتتی ها با ترکان، خصوصا ترکهای آذری مطالعه اسامی رایج در بین قوتتی ها و مقایسه آن با اسامی ترکی امروزی از نقش حایز اهمیتی برخوردار است. در اسامی قوتتی ، چیزی که در وهله اول جلب توجه میکند شروع بعضی از اسامی با حرف **I** و همچنین وجود پسوند های **ush** ، **ash** ، **esh** ، در آنها میباشد. این خصوصیات هنوز هم به همان شکل در اسامی ترکی بکار برده میشود، مثلا پسوند یش در اسامی **یاغیش، آلیش، توختامیش** (از شاهان معروف اردوی زرین، **ترکان قیچاق**) .

به جهت اینکه بحث عمیق در باره **تک تک** این اسامی و بحث ترکی بودن آنها احتیاج به بحثی خیلی طولانی دارد و از حوصله **یک وبلاگ** نویس خارج میباشد لذا من فقط مختصر یکی دو تا از این اسامی را برای توضیح بیشتر انتخاب میکنم و علاقه مندان میتوانند برای اطلاعات بیشتر به اثر ارزنده **پروفسور ذهتابی** (تاریخ قدیم ترکان ایران) مراجعه بفرمایند.

Imeta ای مته که در زمانهای قبل از قوتتی ها به صورت **مادا، ماد، مادای** نیز رایج بوده بعد از قوتتی ها مرور زمان به صورت **مته Mete** یا **Meta** تغییر کرده و اسم یکی از شاهان معروف **ترکان هون** نیز میباشد. این نوع تغییر آوایی اسامی در زبان ترکی حتی برای اسامی که از عربی یا فارسی به ترکی وارد شده صدق میکند، مثلا فاطمه=فاطی، ابراهیم=ایبان، حبیه=حبان، خدیجه=خجان یا خدان و غیره. در ترکی قدیم علامت جنس مونث در اسامی **ایم** و **آن** بود که به مرور زمان به فراموشی سپرده شده و دیگر استفاده نمیشود (**م.کاشغری، دیوان لغات الترك**). ولی آثار علامت مونث **ایم** در

کلماتي چون **خانيم** (مشتق از **خان**)) و **بگيم** (مشتق از **بيگ**) و اثار علامت مونث آن نیز در بعضي از کلمات هنوز هم باقي است، مثلا در ترکی **آناطولي** استعمال کلمات **باي** براي خطاب مردان و **بايان**(**باي+آن**) براي زنان رایج است. به همان صورت کلمه **مته** یا **مادا** بصورت اسم مرد و **ماتان** (**مته+آن**) به صورت اسم دختر در بین ترکان باستان معمول بوده و حالا هم در بعضي مناطق رایج مي باشد.

استعمال این اسم (**مته**) در ادبیات آذربایجان نیز به چشم مي خورد، مثلا در شعري از **حاجي رضا صراف**(۸) و در شعري دیگر از **میرزا علي معجز** (۹) به این اسم برخورد مي کنیم. **مته** همواره در بین ترکها بصورت اسم مرد استفاده ميشود امروزه هم در بین ترکان رایج است، ولي این کلمه در آذربایجان جنوبي به سبب ممنوعیت استفاده از اسامي ترکی رفته رفته در حال فراموشي است. در حوالی بستان آباد به صورت **ماتي**(اسم دختر) ، در اطراف اهر بصورت **مته** (اسم مرد)، در اطراف کلیبر بصورت **متان**(اسم دختر) در بین پیران هنوز هم دیده ميشود. در نزدیکی بستان آوا دهی به اسم **مته نا** نیز وجود دارد.

به عقیده برخی از دانشمندان این کلمه در بین اقوام **سومري** نیز رایج بوده واز آنجا به زبان سامي ها وارد شده و امروزه در زبان عربي به صورت **متین** (محکم، با وقار) استفاده مي شود(۱۰)

اسم دو تن از شاهان قوتتي **يارلاقاش** و **ایلولومنش** با کمی تغییر آوایی که نتیجه گذشت زمان است در کتاب **ده ده قورقود** (داستان هاي حماسي ترکان اوغوز) ، که قدمت مکتوبي آن به تقریبا هزار سال و قدمت شفاهي داستانهاي آن به هزاره هاي قبل از میلاد ميرسد ، آمده است.در بوی **فاضلیق**

قوجا اوغلي يکنگ میخوانیم: قوشا برجدن اوخي اگلنمه یین وئردیکده،
یاغرینجی اوغلي ایلالمیش سنینه بئله وارسین. (۱۱) **ایللولومئش** پسر
یارلاقاش در فتح بابل بیشترین زحمات را کشید و آنجا را در نهایت فتح کرده و
خلق آذربایجان را از حملات متمادی اککدیان نجات داد و ترکان آذربایجان که
وارثین آنها میباشند به پاداش فداکاری های او اسم و یاد او را در داستان های
حماسی خود زنده نگه داشته اند.

از حاکمیت ۹۱ ساله قوتتی ها در بابل چیزی نصیبشان نشد و تنها توانستند
خود را از تاریکیهای تاریخ بیرون کشیده و وارد صحنه تاریخ شوند. بعد از اینکه
قوتتی ها حاکمیت در بین النهرین را از دست دادند، شاهان سومراککد هر دو
سه سال یکبار به آذربایجان حمله میکردند تا از تشکل و قدرت گیری **قوتتی**
ها، لولوبی ها و هوری ها را جلوگیری کنند و در این حملات آنجا را غارت
کرده و عده زیادی اسیر را برای کارکشی به بین النهرین میبردند. (۱۲)

"شولقی" شاه سامی اور در طول حکومت خود ۹ بار بر علیه **قوتتی-لولوبی**
ها لشکرکشی کرد. در آن دوران در بین النهرین و غرب آن فقط اقوام
سامی (آرامی ها، کلدانی ها، آشوری ها، فینیقی ها و...) حاکم بودند و آنها برای
جلوگیری از اتحاد ملل التصاقی زبان همیشه به سرزمین های آنها حمله
میکردند. ملل التصاقی زبان نیز که مشترکات زیادی با هم داشتند تلاش
میکردند تا برای جلوگیری از تجاوزات دولت های سامی با هم متحد شوند. با
روی کار آمدن **حمورابی** در بابل فشار و ظلم بر علیه التصاقی زبان ها زیاد شد
و منابع ایلامی و بابلی نشان میدهند که در اواخر سده ۱۸ قبل از میلاد **قوتتی**
ها، سابیر ها و ایلامیان بر علیه بابل متحد شدند و ملکه **ناوار Navar** شاه
قوتتی ها ۱۰ هزار نفر نیرو برای کمک به ایلام، که مورد حمله بابل قرار گرفته
بود، فرستاد. این حقیقت نشانگر آن است که با وجود حملات متوالی سامی ها

، در اواخر قرن ۱۸ ق.م. قوتتی ها دارای دولت مستقل بودند(تاریخ و تمدن ایلام، ص، ۱۶ م.یوسف زاده). اسم ملکه **ناوار** شاه قوتتی-لولوبی ها بر روی منطقه **ناما**? در شمال رودخانه **دیاله** باقی مانده است(۱۲).

با شکست سامی ها و تسلط کاسسی ها بر بابل در سال ۱۵۹۵ ق.م. تجاوزات متوالی بابل به آذربایجان خاتمه یافت ولی با قدرت گیری **دولت آشور** از سده ۱۵ ق.م. تهدید و تجاوزات از طرف آشوریان بر علیه آذربایجان شروع شد و تا سرنگونی دولت آشور توسط **قوتتی ها (مادها)** و بابل در ۶۱۲ ق.م ادامه یافت.

از آشوری ها کتیبه های زیادی از ۷۰۰-۱۴۰۰ ق.م. باقی مانده که در آنها بطور مفصل به حملات آنها به آذربایجان اشاره میکنند و اطلاعات خوبی را در باره اقوام ساکن در آنجا را به ما میدهند.

آداد نراری I در لوحه ای از سده ۱۴ ق.م. میگوید: پدرم **آریکدنیلو** قوتتی ها را شکست داد و تابع آشور کرد. همچنین در کتیبه هایی از **salmamsar** سالمانسار (اوایل قرن ۱۲ ق.م.)، **توکولتی نینورتا**(اواسط قرن ۱۲ ق.م.)، **آداد نراری سوم** (۸۹۰ ق.م.)، **توکولتی دوم**(۸۵۵ ق.م.) و ... (۱۴) به حملات آشوریان به سرزمین قوتتی ها اشاره میشود و در آنها حتی به اسامی خیلی از قبایل و ایل های **قوتتی-لولوبی** اشاره میشود، يك نمونه : در کتیبه ای از ۷۲۸ ق.م. **تیقلت پيله** سر شاه آشور به حمله اش به سرزمین قوتتی ها(**ماننا-ماد**) و گرفتن اسرای زیاد و تبعید آنها به شمال سوریه اشاره کرده و به اسامی تعدادی از قبایل **قوتتی** در **ماد** اشاره میکند، از جمله **ایلی لی Illili** ، **بیلیلی Billi** ، **سانقلی Sangili** و غیره (۱۵)

علاوه بر اینکه این اسامی دارای معانی ترکی هستند، پسوند **لي Li** در آخر این اسامی علامت منسوبی برای مکان و صفت در ترکی امروزی نیز میباشد.

م.دیاکونوف در این باره مینویسد که ، کتیبه های تیقلت پيله سر در اشاره به اسامی امیران قوتتی و اسامی محل ها در قسمت های شرقی **ماد مرکزی** (قم، قزوین، شمال همدان) بیشتر از نواحی غربی ماد-ماننا به پسوند **لي Li** بر می خوریم و آشوری ها آنها را با نام عمومی **بئل آلی** معرفی میکنند. (۱۶)

اسناد تاریخی باقی مانده نشانگر این است که ، حتی تا قرن ششم قبل از میلاد ساکنین آذربایجان (ماننا - ماد ها) را **قوتتی** می گفتند و اسامی قبایل قوتتی ذکر شده در کتیبه های **آشوری** کلا ترکی میباشد. این قبایل از غرب قم ، حوالی قزوین، همدان تا دریاچه اورمیه، واز جنوب و غرب دریاچه اورمیه تا کوههای توروس ساکن بودند.

قوتتی ها از چندین هزار سال قبل از میلاد در سرزمین آذربایجان ساکن بودند با فتح بابل وارد صحنه تاریخ شدند و به علت اینکه سرزمین زرخیزشان همواره مورد تجاوز و غارت اککد، بابل، آشور و غیره قرار داشت، برای پایان دادن به تجاوزات وحشیانه آشور با اقوام خویشاوند خود متحد شده و دولت ماننا و بعداً اتحادیه ماد را ایجاد کردند. در کتیبه های آشوری، اورارتویی، بابلی هیچ اثری از اسامی آریایی در بین قبایل تشکیل دهنده دولت ماننا و امپراتوری ماد وجود ندارد و همچنین از هزاره دوم ق.م تا سده ششم ق.م. تاریخ هیچ نشانی از مهاجرت اقوام جدید (به جز **ترکان ایشغوز= ساکا ها**) به آذربایجان را نمیدهد. اسناد تاریخی نشانگر آن هست که تا به قدرت رسیدن **هخامنشیان** هیچ نشانی از **هندو ایرانی ها** در منطقه ما نبوده است و فقط اقوام سامی و التصاقی زبان، که اجداد ترکان شمرده میشوند، در منطقه (ایران، بین

النهرين، أناطولى،) ساكن بودند.. به عقیده بعضی از تاریخ دانان اقوام ایلاتی و کوچ نشین هندو ایرانی که در حوالی ۷۰۰ ق.م. از طرف شرق به ایران امروزی آمده بودند ، در شرق و جنوب سرزمین های ماد ساکن شده بودند، آنها که از ایلام فرمانبرداری میکردند بعد از ضعف ایلام تحت حاکمیت قوتتی ها(ماد ها) در آمدند، عده ای نیز(محقق فارس ، ناصر پورپیرا) ورود آنها به ایران را همزمان با به حاکمیت رسیدن هخامنشیان میدانند. بزودی بطور جداگانه و مفصل راجع به مانا و ماد و اقوام تازه رسیده هندو ایرانی خواهم نوشت.

منابع:

- ۱- پروفیسور م. ذهتابی : تاریخ دیرین ترکان ایران، ص ۲۳۰ ، تبریز ۱۳۷۸ .
- ۲- ا. م دیاکونوف : تاریخ ماد، ص ۱۰۶-۱۰۵ ، ترجمه ی کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- ا. م دیاکونوف : تاریخ ماد، ص ۱۰۵ ، ترجمه ی کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- ا. م دیاکونوف : تاریخ ماد، ص ۱۰۸ ، ترجمه ی کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- پروفیسور م. ذهتابی : تاریخ دیرین ترکان ایران، ص ۲۲۳ ، تبریز ۱۳۷۸ .
- ۶- پروفیسور م. ذهتابی : تاریخ دیرین ترکان ایران، ص ۲۵۴ ، تبریز ۱۳۷۸ .
- ۷- ا. م دیاکونوف : تاریخ ماد، ص ۶۱-۶۰ ، ترجمه ی کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۸- حاجی رضا صراف: دیوان صراف، ص ۴۸ .
- ۹- میرزا علی معجز : دیوان معجز، تبریز ۱۳۲۴ ص ۲۰۹ .
- ۱۰- المنجد في اللغة ، تهران ، ۱۳۶۴ ص ۷۴۶ .
- ۱۱- کتاب ده ده قورقود ، ص ۱۵۱ تهران، ۱۳۵۸ .

۱۲- ا. م دیاکونوف : تاریخ ماد، ص ۱۱۸ ، ترجمه‌ی کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۳- پروفیسور م. ذہتابی : تاریخ دیرین ترکان ایران، ص ۲۵۸ ، تبریز ۱۳۷۸ .

۱۴- ا. م دیاکونوف : تاریخ ماد، ص ۴۸۴ ، ترجمه‌ی کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۵- ا. م دیاکونوف : تاریخ ماد، ص ۱۸۹، ترجمه‌ی کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۶- ا. م. دیاکونوف : تاریخ ماد، ص ۱۹۲، ترجمه‌ی کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی.